

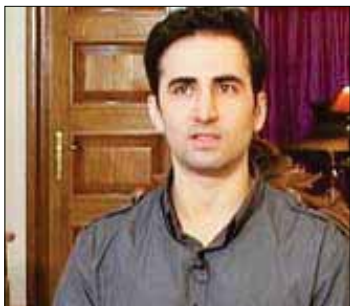
جاسوس آمریکایی در برابر دوربین

اعترافات جاسوس دستگیر شده سیا شب گذشته از تلویزیون پخش شد

می‌پوشد و آموزش‌های مختلف نظامی را می‌بیند. او سپس به یک دانشگاه مخصوص فرستاده می‌شود تا در کنار آموزش‌های مختلف نظامی، آموزش‌هایی نظیر یادگیری زبان‌های خاورمیانه را ببیند. به همین خاطر به او می‌گویند: «دوست داریم شما را به دانشگاهی بفرستیم تا زبان عربی را هم بیاموزید».

حکمتی سپس با پوشش نظامی ارتش آمریکا وارد خاک عراق و پایگاه رمادی می‌شود. ماموریت او شناسایی افرادی در عراق است که گرایش به آمریکا داشته و حامی کاخ سفید هستند.

حکمتی در این خصوص می‌گوید: «هدفمان شناسایی افرادی بود که آمریکا را قبول داشتند و به خاطر تمایل آنها به آمریکا، این امکان وجود داشت تا



در صورت بروز هر حادثه‌ای از آمریکا حمایت کنند.» وی در اعترافات خود افزود: «بعد از ارسال گزارش‌های ما به اداره اطلاعات ارتش آمریکا، ماموران آنان با افرادی که شناسایی کرده بودیم،

۲ روز پس از آن که وزارت اطلاعات ایران اعلام کرد یک جاسوس آمریکایی ایرانی تبار را شناسایی و دستگیر کرده است، اعترافات وی و جزئیات پروژه‌ای که این فرد با حمایت دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی غرب موظف بود اجرا کند از شبکه ۳ سیما پخش شد. در این مستند که با عنوان «مهار شده» به مدت ۱۷ دقیقه تهیه شده بود، مراحل پیوستن و آموزش امیر میرزای حکمتی به دستگاه‌های اطلاعاتی آمریکا و شناسایی و بازداشت وی توسط سربازان گنم امام‌زمان (عج) در ایران به نقل از خود او بیان شد.

در ابتدای این گزارش به تشکیل میز ایران در سازمان مرکزی اطلاعات آمریکا (سیا) اشاره شده که در سال ۲۰۰۸ به دستور باراک اوباما راه‌اندازی می‌شود تا پروژه سه‌جانبه‌ای را با همکاری موساد و ام‌آی‌۶ انگلیس طراحی کنند و بدین طریق تمام توان خود را جهت یافتن راهی برای نفوذ در ایران بیابند.

امیر میرزای حکمتی که در آمریکا به دنیا آمده و به زبان فارسی و همین‌طور اندکی عربی مسلط است، به عنوان مناسب‌ترین فرد برای این منظور انتخاب می‌شود. در واقع یک تیم ویژه مامور می‌شود تا مناسب‌ترین گزینه را انتخاب کند و هیچ‌کس بهتر از حکمتی که متولد آریزونا، آمریکاست و در عین حال زبان مادری‌اش فارسی است، به نظر آنان برای این کار مناسب نیست.

حکمتی که می‌گوید یک دهه سابقه فعالیت و آموزش‌های فشرده اطلاعاتی را دارد، در قسمت اطلاعات آمریکا مشغول به کار می‌شود. به این شکل که در آگوست سال ۲۰۰۱ رسماً لباس ارتش آمریکا را

جاسوس آمریکایی در برابر دوربین

امیر میرزای حکمتی، جاسوس دستگیر شده سیاه، یک ایرانی تبار مقیم آمریکا بوده است

ادامه از صفحه اول

رابطه برقرار کرده و طی دیدارهایی محرمانه، با آنها مذاکره می کردند.»

به گفته او، علت این امر هم آن بود که آمریکا می خواست تا جایی که می تواند امور کشورها را کنترل کند، بخصوص درباره بحث نفت، چرا که آمریکا قصد داشت با تصرف چاه های نفتی عراق، اوپک را ورشکسته کرده و کاری کند تا نفت فقط به دلار معامله شود و بدین طریق قدرتش در مقابل چین و روسیه افزایش یابد. میرزایی حکمتی در ادامه خاطر نشان کرد: «آمریکا همچنین قصد داشت با نفوذ در گروه های اسلامگرای منطقه، بین مردم مسلمان نفوذ کرده و ایجاد انحراف کند. در واقع آمریکا با پوشش آوردن دموکراسی آمدا مقصدش سکولار کردن بود، برای همین در پی نفوذ در مسلمانان بود.»

حکمتی همچنین گفت: یکی دیگر از اهداف آمریکا، کنترل کشورهای خاورمیانه از جمله عراق، بحرین، سوریه و حتی تونس بود تا ایران برای آنها الگو نشود.

بنابراین این فیلم، حکمتی خیلی زود توانایی اش را به مقامات مافوقش ثابت می کند؛ به گونه ای که بلافاصله بعد از اتمام ماموریتش در عراق، به استخدام چند شرکت اطلاعاتی درمی آید.

«داریا» مرکز پیشرفته تحقیقاتی و اطلاعاتی وزارت دفاع آمریکا است و حکمتی از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷ میلادی در آنجا مشغول به کار می شود. این شرکت که تحت نظر دولت آمریکا به فعالیت می پردازد، از پنتاگون پروژه می گیرد. حکمتی پس از داریا به «کوماگیمز» می رود که یک شرکت رایانه ای است که در ازای دریافت پول از سازمان سیا، فیلم ها و بازی های رایانه ای برای تغییر افکار مردم خاورمیانه تولید کرده و به رایگان در اختیار آنان قرار می دهد.

حکمتی در این باره توضیح داد: «هدف این بازی های رایانه ای آن بود که مردم عراق و افغانستان راقانع کند کارهایی که آمریکا در این دو کشور انجام می دهد، خوب است.»

پس از آن حکمتی به کمپانی «کیوبک» می رود که یک شرکت خصوصی است اما پنهانی به کارهای اطلاعاتی می پردازد. علت تغییر شرکت های محل کار حکمتی نیز به آن خاطر است که آموزش های اطلاعاتی لازم در قالب پوشش کار در شرکت های مختلف، به او ارائه نشود، ضمن آن که اطرافیان و دوستان وی نیز متوجه فعالیت های او نشوند.

آن طور که این جاسوس سیاه بیان کرد کارمندان سیادر شرکت ها شاغلند و فقط هم رئیس آن شرکت می داند که این کارمندان یک نیروی اطلاعاتی است. سرانجام تیم ویژه میزبان ایران در سیا، حکمتی را برای انجام پروژه اصلی اش یعنی نفوذ در ایران انتخاب می کند اما لازم است تا بازره هم درباره او به اطمینان صدر صد دست یابند.

در ماه می ۲۰۰۹ خانمی به اسم دلارسی با حکمتی تماس گرفته و می گوید کارمند دولت است. حکمتی در این باره گفت: «فهمیدم که کارمند سیاست، او گفت برای ایمیل می فرستد که در آن تست عمومی هوش (IQ) و روان شناسی است.»

CIA مرکزی است که وروده به آن سخت بوده و به همین خاطر بارها از حکمتی تست هوش، دروغ سنجی و انواع آزمایش های پزشکی را انجام می دهند و وقتی حکمتی تمام این مراحل را با

موفقیت پشت سر می گذارد، خانم دلارسی مجدداً با او تماس گرفته و می گوید تحقیقات پایان یافته و او باید منتظر تماس آنها بماند. در این فاصله حکمتی به شرکت B.A.E.sistem معرفی می شود تا به عنوان یک تحلیلگر اطلاعات کار کند. او همچنین حدود ۲ سال در عراق استفاده از سیستم های محرمانه و جمع آوری اطلاعات از افراد خاص را می آموزد. در این مدت CIA نیز می گوید پوشش مناسبی برای ماموریت اصلی اش بیابد. سرانجام ماموریت بزرگ حکمتی که همان سفر به ایران بود، در هتل «اسپیرینگ هال» واکنشگتن به وی ابلاغ می شود.

در نهایت به حکمتی اطمینان می دهند در پوششی که او قرار خواهد گرفت هیچ مشکلی برایش پیش نمی آید و سرانجام طی ۳ روزی که در آن هتل حضور داشتند بارها نحوه مواجهه با ماموران اطلاعاتی و ... را با یکدیگر امتحان و تمرین می کنند. اما CIA تصمیم گرفته بود یکی از زنده ترین نیروهایش را با پوشش یک دلال اطلاعات در مسیر دستگاه های امنیتی ایران قرار بدهد تا بدین شکل نفوذ در این دستگاه ها صورت بگیرد. برای این کار هم فرموده نظر باید به هر صورت ممکن اعتمادسازی کند، لذا به او گفته می شود: «شما طی ۳ هفته یک منبع می شوید برای وزارت اطلاعات ایران و سپس برمی گردید.»



حکمتی قبل از آمدن به ایران به پادگان بگرام افغانستان فرستاده می شود و شبکه های اطلاعاتی ایران که تحولات این پادگان را تحت نظر دارند، متوجه حضور یک آمریکایی ایرانی تبار در این پادگان می شوند. حکمتی که طی مدتی که در افغانستان بوده به خاطر آموزش هایی که می بیند امکان دستیابی به گزارش های محرمانه در خصوص ایران را یافته و بدین طریق آنها را خوانده و در حافظه اش می سپارد تا بعداً در دلتپ تاپش کند.

بعد از آن از بگرام راهی دبی شده و یک بلیت به مقصد تهران خریده و شهریور ۱۳۹۰ به ایران می آید. حجم اطلاعاتی که حکمتی با خود به تهران آورده بوده نوعی است که هر سیستم اطلاعاتی خود را در مقابل حجم انبوهی از اطلاعات مهم می بیند، لذا سعی می کند تا علاوه بر صحت سنجی، این منبع را از دست ندهد و این همان دامی است که برای ایران پهن می شود تا بدین شکل، آمریکا بتواند بر مهره های اطلاعاتی ایران نفوذ پیدا کرده و به اطلاعات جدیدی دست یابد.

حکمتی در این باره چنین توضیح داد: «در ابتدا یک سری اطلاعات مهم را می سوزانند تا در قبالش به اطلاعات مهمی از کشور مورد نظر دست یابند. برنامه ما هم این بود.» وی همچنین خاطر نشان کرد: «هر کسی تشنه است، وقتی لیوان آب را ببیند، آن را گرفته و می خورد و می گوید: ممنون! و دیگر هم نمی پرسد این لیوان از کجا آمده است.»

اما دستگاه اطلاعاتی و امنیتی و سر بازان گمنام امام زمان (عج) در ایران بر این تشنگی اطلاعاتی غلبه کرده و در تحقیقات گسترده به فریب بودن این اطلاعات و دام بودن آن پی برده و می توانند پروژه را کنترل نموده و خنثی کنند.

در واقع سر بازان گمنام امام زمان (عج) یا درگیری و مهار فرستاده آمریکا، نه تنها پروژه نفوذ را با شکست مواجه کردند، بلکه شبکه گسترده پشتیبانی کننده را با طیف وسیعی از اطلاعات شناسایی و منهدم کردند تا اطلاعات واسطه ها نیز در اختیار ایران قرار بگیرد.